

کودکان چگونه

آنها را بزرگ

ترجمه و تألیف: ماندانا سلحشور
کارشناس روان شناسی بالینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

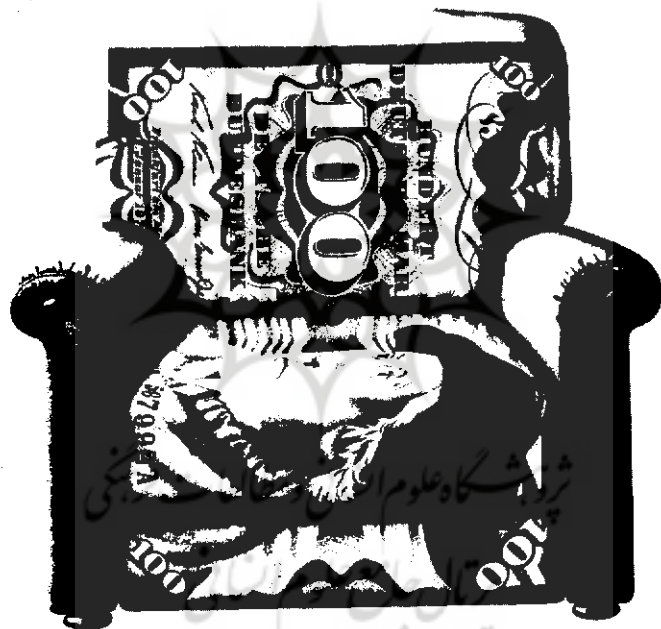
مرکز جامع علوم انسانی

«پول» به همه - چه کودک و چه بزرگ - قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد. «پول» برای کودکان خردسال، سکه‌های براقی است که در جیب یا کیفشان جیرینگ جیرینگ صدا می‌دهد و می‌توانند با آن بستنی و شکلات بخرند. چند سالی که بزرگ‌تر می‌شوند، می‌فهمند «پول» وسیله‌ای است که به کمک آن ارزش کالاها و خدمات افراد سنجیده می‌شود، و زمانی که به یک نوجوان بالغ تبدیل می‌شوند، در می‌یابند که پول می‌تواند برای افراد استقلال و امنیت به ارمغان آورد و آن‌ها را در جهت رسیدن به خواست‌هایشان کمک کند.

همه آن‌ها خانواده به عنوان اولین و اصلی‌ترین نهاد هر اجتماع است. بدیهی است هرگونه ارتقای بینش و توانمندی افراد خانواده می‌تواند تأثیری مستقیم بر رشد کیفی جامعه بگذارد. در این رهگذر، اگر والدین و مربیان نکات تربیتی - آموزشی خود را بر پایه اصول و قوانین مستحکم و درست

کودکان با مشاهده «پول خرج کردن» والدین خود هنگام خرید کالاها یا گوناگون، پرداخت صورت حساب‌های ماهیانه، انجام کارهای خیر و... یاد می‌گیرند که چگونه می‌توان از پول استفاده کرد. از آن جا که بچه‌ها هر ویژگی و خصوصیتی را که در دوران کودکی فرامی‌گیرند، به صورت

پول می‌تواند برای افراد استقلال و امیدوار ارمغان آورد و آن‌ها را در جهت رسیدن به خواست‌هایشان کمک کند



استوار سازند، کودکان و نوجوانان نیز می‌توانند زمینه ذهنی معقولی درباره مسائل و ارزش‌های گوناگون زندگی کسب کنند.

یکی از آموزش‌هایی که اخیراً مورد توجه کارشناسان و متخصصان علوم تربیتی واقع شده است، «آموزش ارزش پول و آینده‌نگری» به فرزندان - اعم از کودک یا نوجوان - است. این آموزش فراتر از آماده کردن آن‌ها برای استخدام شدن یا پس انداز پولی است که به دست می‌آورند. تفهیم «ارزش پول و مادیات» به بچه‌ها کمک می‌کند تا به بسیاری از جنبه‌های مثبت و منفی زندگی بیش‌تر فکر کنند و از امکانات

یک عادت و شیوه زندگی، در خود درونی می‌سازند، و نیز با توجه به این که پدر و مادر با وجود محدودیت‌هایی که دارند بهتر از هر فرد دیگری می‌توانند افکار و نگرش‌های

فرزندانشان را درباره اصول اولیه زندگی و از جمله «درک ارزش پول» شکل دهند، پس بهتر است با قدری آینده‌نگری و دوراندیشی سعی کنیم جلوتر از زمان فعلی خود را ببینیم و چشم‌اندازی از آینده فراسوی خود مجسم سازیم، چرا که «آموزش برای فرداست».

یکی از ملاک‌های رشد و توسعه در هر اجتماع، پیشرفت و ترقی روز افزون نهادها و سازمان‌های درون آن، و در رأس

موجود خود بهترین استفاده را ببرند.

واقعیت این است که همیشه افرادی هستند که از ما بیش تر دارند و افرادی هم هستند که از ما کم تر دارند. کودکی که یاد بگیرد، همواره تفاوت‌ها و کمبودها را ببیند، دچار احساس مخرب «حسادت» و «غبطه خوردن» خواهد شد. هدف از درک ارزش پول و مادیات زندگی نیز آن است که «مثبت‌نگری» را به بچه‌ها بیاموزیم تا بتوانند شایستگی‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای درونی‌شان را بهتر بشناسند و برای «خودشان» ارزش قائل شوند. پذیرفتن کاستی‌ها و نقاط

فراگیری آنان باید استفاده کرد.

- بهترین و والاترین ارزش‌های مادی زندگی انسان‌ها را باید به بچه‌ها آموزش داد.
- کودکان را برای ورود به دنیای واقعی باید آماده ساخت. (لویس، ۱۹۹۴)

«پول» را مهم و با ارزش بدانید تا فرزندانتان نیز برای پول ارزش قائل شوند. اگر شما برای برداشتن سکه‌های خردتان از زمین دولا شوید، فرزندتان نیز یاد می‌گیرد که این سکه‌ها را مهم بشمارد؛ یا هنگامی که بقیه پولتان را از فروشنده پس

صبوری و شکیبایی، رمز اصلی موفقیت پدر و مادر و آرامش و پشتکار آن‌ها عامل پیشرفت و ترقی‌شان در پرورش فرزندان است.

می‌گیرید، اگر به جای آن که آن را مچاله کنید و در جیب یا کیفتان بگذارید، آن را به دقت بشمارید، فرزندتان نیز یاد می‌گیرد که چگونه با «پول» باید رفتار کند و به ارزش آن پی می‌برد. برای او توضیح دهید زمانی که انتظار دارید از وسایل و اسباب بازی‌هایش به خوبی نگه داری کند تا بتواند چند سال از آن‌ها استفاده کند، در حقیقت منظورتان این است که او را با ارزش واقعی اشیا آشنا سازید. وقتی شخصاً وسایل خانگی خود را تعمیر می‌کنید، به فرزندانتان این نکته را یادآوری می‌کنید که در حقیقت به دنبال صرفه‌جویی و پس انداز بخشی از درآمد خانواده هستید. برای آن‌ها توضیح دهید که اگر خودتان سعی می‌کنید اتومبیلتان را بشوید، منزلتان را نظافت کنید یا حتی در باغچه کوچک خود سبزی بکارید، تنها به این دلیل است که می‌خواهید قدری پس انداز کنید و صورت هزینه‌ها را پایین آورید. تجربه نشان می‌دهد بچه‌هایی که نسبت به کارهای خانه و خانواده دقیق و آگاه‌اند و علاقه بیش‌تری در این زمینه از خود نشان می‌دهند، کم‌تر دچار مشکلات رفتاری و بحران‌های روانی مثل پرخاشگری، کمبود اعتماد به نفس، بزهکاری و اعتیاد می‌شوند.

ضعف و تلاش در جهت رفع آن‌ها، کودک یا نوجوان را واقع بین می‌کند و او را به فردی «خودساخته» و «کارآمد» تبدیل خواهد کرد.

اگر ما امروز بتوانیم مفاهیم و اصول اولیه مالی را اعم از کار کردن، خرج کردن، پس انداز کردن، تعادل برقرار کردن بین هزینه‌ها و درآمدها، سرمایه‌گذاری و... را به بچه‌ها بیاموزیم، آنان در بزرگسالی می‌توانند با دید وسیع‌تری به مسائل مالی بنگرند و همواره نسبت به دخل و خرج خود دقیق و هوشیار باشند.

به طور کلی، اصولی که باید در مورد آموزش ارزش پول به کودکان و نوجوانان مدنظر داشت، عبارت‌اند از:

- اعضای خانواده همچون یک تیم ورزشی باید با هماهنگی و جدیت با یکدیگر همکاری کنند.
- پول دادن‌های بی‌رویه به بچه‌ها دلیل بر رفاه و آسایش آنان نیست.
- صبوری و شکیبایی، رمز اصلی موفقیت پدر و مادر و آرامش و پشتکار آن‌ها عامل پیشرفت و ترقی‌شان در پرورش فرزندان است.
- از قابلیت الگوپذیری بچه‌ها در جهت آموزش و

آموزش ارزش پول و مدیریت مالی به دلایل زیر بهتر است از همان دوران کودکی (۷-۸ سالگی) آغاز شود:

- ۱- کودکان عادات پسندیده را در دوران کودکی بهتر یاد می‌گیرند.
 - ۲- آموزش در خانواده مطمئن‌ترین و راحت‌ترین روش برای یادگیری است؛ زیرا راهنمایی، حمایت و کارکردن با بچه‌ها در محیط خانه به آن‌ها آرامش و اعتماد به نفس بیشتری می‌دهد.
 - ۳- بچه‌هایی که مفاهیم و اصولی مالی را از ابتدای کودکی آموخته‌اند، بهتر می‌توانند هنگام رویارویی با مسائل و مشکلات گوناگون تصمیم‌گیری کنند.
 - ۴- کودکان و نوجوانانی که با ارزش پول آشنا هستند، در آینده امکان انتخاب پیش‌تری دارند.
 - ۵- والدین تنها در صورت آموزش و تربیت بچه‌ها می‌توانند از آن‌ها انتظار همکاری و همفکری داشته باشند.
- یکی از روش‌هایی که بسیاری از کارشناسان و متخصصان امور مالی برای آموزش ارزش پول به کودکان

پیش‌نهاد می‌کنند، پرداخت مقرری‌های هفتگی یا همان «پول تو جیبی» است. زمانی که والدین برای فرزندشان مقرری معین می‌کنند، در حقیقت او را تشویق می‌کنند تا خواست‌هایش را کنترل و طبقه‌بندی کند. گاهی پیش می‌آید که به اتفاق فرزندتان به خرید می‌روید. در چنین شرایطی اگر به او اجازه انتخاب بدهید، هیچ حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد؛ ولی اگر مقدار پول معینی در اختیار او بگذارید و از او بخواهید که به همان میزان برای خودش خرید کند، مسلم بدانید که مهم‌ترین خواست خود را برآورده خواهد کرد. برای پرداخت مقرری بهتر است چند نکته را در نظر بگیرید:

- زمانی که فرزندتان هنوز نسبت به پول کنجکاو نشده است و نمی‌داند که پول به چه کار می‌آید، پرداخت پول تو جیبی به او را آغاز نکنید.
- روشی را برای پرداخت‌های خود انتخاب کنید که همواره بتوانید بدان پای بند باشید.
- میزان پول تو جیبی هر کودک باید متناسب با سن، فهم و نیازهای او باشد.



روشی را برای پرداخت‌های خود انتخاب کنید که همواره بتوانید بدان پای بند باشید.

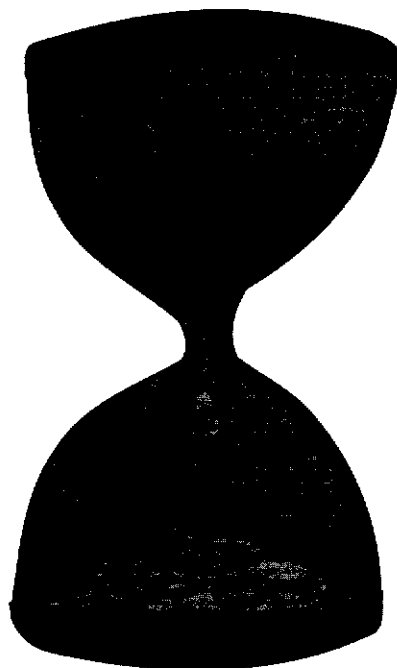
مثال، آیا انتظار دارید مسئولیت خرید ناهار مدرسه، هزینه رفت و آمد به مدرسه، تهیه لوازم تحریر و... را خودش به عهده بگیرد؟

مفاهیم ساده مالی

الف) درست خرج کردن:

والدین و مربیان باید نحوه درست خرج کردن پول توجیبی را به کودکان و نوجوانان آموزش دهند. برای مثال، آن‌ها می‌توانند هفته‌ای یک بار به همراه فرزندشان (متناسب با سن او)، فهرستی از مایحتاج و لوازم گوناگون منزل تهیه کنند و به اتفاق هم برای انتخاب و خرید کالا بروند. یکی از کارهایی که می‌توان ضمن خرید انجام داد، مقایسه کیفیت، کمیت، ضمانت‌نامه‌ها، استانداردها و... در فروشگاه‌هاست. خوب است زمانی که کالایی را برای خرید انتخاب می‌کنید، دلایل گزینش خود را برای فرزندتان توضیح دهید. به طور خلاصه، نکاتی که در زمینه خرج کردن می‌تواند به بچه‌ها کمک کند، عبارت‌اند از:

- ۱- فرصت و امکان مقایسه اجناس و پیش‌نهادهای گوناگون.
 - ۲- تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت.
 - ۳- کسب تجربه و شناخت شرایط و موقعیت‌های مختلف.
 - ۴- تشخیص تفاوت‌ها و ایجاد تعامل بین خواست‌ها و نیازها (جین، ۱۹۹۹)
- برای برنامه‌ریزی خرید می‌توانید به فرزندتان یاد بدهید که این سه سؤال را از خودش پرسد:



- رعایت زمان پرداخت مقرری: این کار بچه‌ها را نسبت به مقدار دریافتی و نحوه خرج کردنشان هوشیار می‌کند. به طور معمول، کودکان کوچک‌تر (۷-۹ سال) چون هنوز برنامه‌ریزی را به خوبی نمی‌دانند و حس آینده‌نگری کم‌تری دارند، خوب است پول توجیبی‌شان را روزانه، کودکان بزرگ‌تر هفتگی و نوجوانان ماهانه بگیرند.
- منظور خود را از پرداخت مقرری به فرزندتان، مشخص سازید. برای او روشن کنید که با پول مقرری‌اش چه بخشی از نیازمندی‌هایش را می‌تواند تأمین کند. برای

زمانی که فرزندتان

هنوز نسبت به پول کنجکاو نشده است

و نمی‌داند که پول به چه کار می‌آید،

پرداخت پول توجیبی به او را

آغاز نکنید.



● چه مقدار پول برای خرج کردن داریم؟

● چه چیزی لازم داریم؟

● لوازم و مایحتاج مورد نیازم چه قیمتی دارند؟

توجه داشته باشید که اگر بتوانید از شرایط و امکانات موجود استفاده کنید، خرید کردن می‌تواند امری کاملاً لذت بخش و آموزنده باشد. نکات مهمی که در خصوص «خرید کردن» می‌توان به کودکان و نوجوانان آموخت، اول؛ تشخیص نیازها از خواست‌ها، و دوم؛ توجه به تأثیر آگهی‌های بازرگانی بر خرید مردم است.

«ارزش‌گذاری» و تعیین اولویت خواست‌ها و نیازها، یکی از بخش‌های مهم آموزش امور مالی است. به طور معمول هر فردی نگرش و دیدگاهی را که درباره «پول» دارد، از والدین و مربیان در دوران کودکی و نوجوانی آموخته است و سعی می‌کند پولش را مطابق آن ارزش‌ها خرج کند. به طور کلی، ارزش‌گذاری نیازها و خواست‌های روزانه به فرد کمک می‌کند تا برای رسیدن به اهدافش راه‌های مناسبی برگزیند. طبیعی است که «ارزش‌گذاری» و «گزینش هدف» به مرور و با گذشت زمان تغییر می‌کند. در این میان، هر فردی برای رسیدن به هدف‌های خود باید بتواند بین آن چه «احتیاج» دارد و آن چه «دوست دارد» تفاوت بگذارد. برای بسیاری از کودکان یا نوجوانان مشکل است که تفاوت بین «خواست‌ها» و «نیازهایشان» را درک کنند و اولویت را به رفع نیازمندی‌هایشان بدهند. در این بین وظیفه پدر و مادر به عنوان الگوهای تربیت مالی فرزندان‌شان این است که انتظارات خود را درباره پرداخت مقررری به آنان و چگونگی خرج کردن آن، برای بچه‌ها مشخص کنند.

در خصوص نقش آگهی‌های بازرگانی باید توجه داشت که هر چه سن کودک کم‌تر باشد بیش‌تر احتمال دارد این گونه آگهی‌ها را به عنوان پیام‌های واقعی قلمداد کند. در حالی که کودکان بزرگ‌تر قادرند محتوای اصلی آگهی‌ها را تشخیص دهند و با دیدی انتقادی به این گونه تبلیغات بنگرند و البته کم‌تر هم تحت تأثیر قرار بگیرند. به همین دلیل لازم است پدر و مادر اساساً فلسفه «تبلیغ» را برای بچه‌ها توضیح دهند و علت این امر را که شرکت‌ها و واحدهای تولیدی دست به پخش آگهی و تبلیغات مختلف و جذاب می‌زنند، برای آن‌ها روشن کنند. در این خصوص تذکر چند نکته می‌تواند مفید باشد:

۱- برای بچه‌ها توضیح دهید که آگهی‌های تجاری به این منظور طراحی شده‌اند تا رفتار خریدار را تحت الشعاع قرار دهند و آن‌ها را تشویق به انتخاب کالای مشخصی کنند.

۲- تبلیغ بیش‌تر یا زیباتر یک کالا دلیل بر مرغوبیت آن نیست؛ چه بسا ممکن است کالایی که اصلاً تبلیغی برای آن نمی‌شود، به مراتب مرغوب‌تر و بهتر از کالایی باشد که آگهی‌های تبلیغاتی متنوع و جدیدی برای آن می‌سازند.

۳- گران‌تر بودن یک کالا، دلیل کیفیت برتر آن کالا نیست.

۴- تبلیغات همیشه بر نکات مثبت کالا تأکید می‌کند و نکات منفی آن را نادیده می‌گیرد.

۵- فرزندان‌تان را تشویق کنید تا با دیدی انتقادی به تبلیغات و آگهی‌های بازرگانی بنگرند، زیرا هدف تبلیغات، «فروش بیش‌تر» برای «سود بیش‌تر» است.

ارزش‌گذاری نیازها و خواست‌های روزانه

به فرد کمک می‌کند

تا برای رسیدن به اهدافش راه‌های

مناسبی برگزیند.



- ۶- از بچه‌ها بخواهید هنگام مشاهده و خرید هر کالایی برچسب کیفیت و استاندارد آن را پیدا کنند.
- ۷- پیام‌های بازرگانی می‌توانند تأثیراتی منفی بر رژیم غذایی کودکان و نوجوانان بگذارند. بچه‌ها معمولاً محصولات غذایی گوناگون را از طریق مشاهده آگهی‌های رنگارنگ انتخاب می‌کنند و توجهی به میزان قند، نمک، چربی یا سایر افزودنی‌های شیمیایی ندارند. به همین دلیل والدین و اطرافیان کودکان و نوجوانان می‌توانند با تذکر مداوم مسائل مربوط به سلامت و بهداشت، درصد بالا بردن اطلاعات تغذیه‌ای فرزندان باشند و آن‌ها را نسبت به تأثیرات سوء این گونه مواد آگاه سازند. (هریس، ۱۹۹۸)

ب) پس انداز کردن:

لذت «صبر کردن» مهارتی است که همه آن را در دوران کودکی می‌آموزند و در تمام عمر از آن بهره می‌برند. ولی «خویشتر داری» و «کنترل نفس»، خصوصیتی نیست که همه افراد به طور یکسان و مساوی از آن برخوردار باشند. بعضی از بچه‌ها توانایی کنترل بیش‌تری برخوردارند، در حالی که بعضی دیگر زودتر تسلیم خواست‌ها و آرزوهایشان می‌شوند.

زندگی همواره موقعیت‌هایی پیش پای ما می‌گذارد که به بچه‌ها روش‌های «صبر و حوصله کردن» را بیاموزیم و درس ارزشمند «انتظار کشیدن» را برایشان آسان‌تر کنیم. برای مثال، وقتی کودک بی‌صبرانه منتظر غذاست، می‌توانیم برایش توضیح دهیم که پختن غذا نیازمند وقت است؛ میوه را ابتدا باید شست و پوست گرفت؛ برای خوردن شیرینی باید تا بعد از غذا صبر کرد؛ برای خریدن دوچرخه باید منتظر تعطیلات شد و... وقتی بچه‌های ما بی‌طاقتی می‌کنند، ما می‌توانیم صبورانه به حرف‌هایشان گوش بدهیم و بگذاریم بدانند که ما می‌فهمیم «صبر کردن» برای آن‌ها دشوار است. حتی می‌توانیم انتظار کشیدن را به عملی خوشایند و دل‌پذیر تبدیل کنیم تا بچه‌ها مفهومی مثبت از صبر کردن در ذهن داشته باشند. برای مثال، زمانی که فرزندان قصد دارد مقداری پول (به دلایل گوناگون) پس‌انداز کند، می‌توانید با کاشتن چند دانه گیاه در یک گلدان و نگه‌داری و پرورش آن، صبوری و گذشت زمان را برای او ساده‌تر کنید. در واقع



کودک از طریق مشاهده رشد تدریجی گیاه، یاد می‌گیرد که برای رسیدن به هر هدفی و به گل نشستن هر دانه‌ای زمان لازم است و گاهی با شتاب و عجله نمی‌توان کاری از پیش برد.

یکی از روش‌هایی که بدان وسیله می‌توان کودکان را به امر پس انداز کردن تشویق کرد، تهیه «قلک» است. قلک راحت‌ترین وسیله برای آموزش پس انداز و شناخت ارزش پول است. استفاده از قلک می‌تواند پس انداز کردن را به صورت عادت و تمرین به بچه‌ها بیاموزد. «عادت» عملی است که هر روز فرد آن را انجام می‌دهد و پس از مدتی این عادت و تمرین، تبدیل به شیوه زندگی او می‌شود. پس انداز

از خط مشی معینی پیروی کنید و همواره نظریات و عقاید خود را به آنان بگویید.

برای آموزش ارزش پول به کودکان پیش دبستانی (۵-۷ سال)، ابتدا باید آن‌ها را با ارزش سکه‌های رایج آشنا کرد. برای مثال، می‌توان تعدادی سکه به کودک داد و بعد از معرفی آن‌ها به کودک، از او خواست که با نام بردن سکه‌ها، آن‌ها را به ترتیب ارزش مرتب کند. آن‌چه کودکان خردسال در زمینه ارزش مادیات زندگی می‌توانند یاد بگیرند، عبارت‌اند از:

- ۱- دیدن هر چیز به معنای خواستن آن نیست.
- ۲- وظایفی در حد توان بدنی‌شان انجام دهند.



یکی از روش‌هایی که بدان وسیله می‌توان کودکان را

به امر پس انداز کردن تشویق کرد،

تهیه «قلک» است. قلک راحت‌ترین وسیله

برای آموزش پس انداز و شناخت ارزش پول

است.



- ۳- شانس انتخاب محدود است. برای مثال، از کودک بخواهید بین شکلات و بستنی یکی را انتخاب کند.
 - ۴- شناخت ماهیت تبلیغات و آگهی‌های تجاری و دانستن این مطلب که پیام‌های بازرگانی صرفاً برای فروش کالاها ساخته می‌شوند.
 - ۵- درک مفهوم مالکیت: هر چیزی متعلق به صاحب آن است.
 - ۶- تشخیص ضروریات از غیر ضروریات (تشخیص نیازها از خواست‌ها).
 - ۷- دریافت مبلغ جزئی به عنوان پول تو جیبی (مقرری روزانه).
 - ۸- تمرین خویشتن‌داری: برای مثال، اگر بتواند مقداری از مقرری‌اش را جمع کند، می‌تواند به خواست مهم‌تری برسد.
- کودن معمولاً برای کودکان قدری دشوار است، چون حس وقت‌شناسی و شکیبایی آن‌ها هنوز به اندازه کافی رشد نکرده است تا بتوانند خواست‌های درونی‌شان را درست ارزیابی کنند. این موضوع را همه کودکان رفته رفته و به تدریج خواهند آموخت. اغلب کودکان ۶-۷ ساله ممکن است کلماتی مثل «ماه» یا «سال» را به کار ببرند، ولی عملاً تصویری از مفهوم واقعی این واژگان در ذهن نداشته باشند. کودکان، هم زمان با رشد قوه حافظه بهتر می‌توانند تجسمی از گذشته، حال و آینده داشته باشند. حتی کودکان ۱۰-۱۲ ساله نیز گذشت زمان را مثل یک فرد بالغ درک نمی‌کنند. برای نمونه، یک کودک دبستانی هنوز درکی از آینده و تحصیلات دانشگاهی ندارد. او تنها می‌تواند با قدری تحمل و بردباری مقداری پول برای خرید توپ فوتبال یا عروسک مورد علاقه‌اش پس انداز کند. برای آموزش پس انداز به فرزندانتان

دنبال دارد.

در واقع زمانی که پدر و مادر آموزش خود را درباره «ارزش کار» با این مفاهیم و تعاریف آغاز می‌کنند، چشم انداز بهتری از آینده فراسوی نوجوانشان ترسیم می‌کنند. پول در آوردن و کسب درآمد، کاری بسیار ارزشمند و پسندیده است و اگر نوجوان بتواند فرصت شغلی مناسبی، تحت نظر مدیری با کفایت و لایق پیدا کند، به مراتب به ویژگی‌های برجسته‌تری از ارزش و اهمیت کار و مادیات پی خواهد برد. به طور کلی آن چه می‌توان به نوجوانان درباره پول یاد داد، عبارت‌اند از:

- آموزش درست خرج کردن.
- تفاوت گذاری بین خواست‌ها و نیازها.
- ارائه الگوهای صحیح برای استفاده از مادیات زندگی.
- متعادل کردن دخل و خرج.
- مصرف زده نبودن و عدم تبعیت از تبلیغات و آگهی‌های بازرگانی.
- مشارکت دادن آن‌ها در برآورد صورت هزینه‌های خانه و خانواده.
- بحث و گفت‌وگو درباره مسائل مادی و اقتصادی.
- درک ارزش سرمایه گذاری.
- کم رنگ نمودن نقش «مد» و «ظاهرآرایی».
- ثبت صورت درآمدها و هزینه‌ها، به منظور ارزیابی کلی از وضعیت مالی خود.

اگر پدر و مادر نحوه مدیریت مالی صحیح را در دوران کودکی به فرزندانشان بیاموزند، آن‌ها قادرند در دوران نوجوانی و جوانی به ارزش پول و مفهوم این جمله که: «درآمدهای امروز، سرمایه‌های فرداست»، پی ببرند.

منابع:

- HARRIS, FRAN, GUIDE TO RAISING FINANCIALLY RESPONSIBLE CHILDREN, PUB. SIMON & SCHUSTER, 1998.
- LEWIN, ELIZABETH S., SIMPLE WAYS TO HELP YOUR KIDS BECOME DOLLAR SMART, PUB. WALKER & CO. 1994.
- PEARL, JAYNE A., KIDS & MONEY: GIVING THEM THE SAVVY SUCCEED FINANCIALLY, PUB. BLOOMBERG PRESS, 1999.

کودکان دبستانی چون قادر به شناخت و تشخیص ارزش انواع سکه‌ها و اسکناس‌های رایج‌اند، می‌توانند آن‌ها را با یکدیگر مقایسه و ارزشیابی کنند. بسیاری از کودکان تا زمانی که به مدرسه نمی‌روند، نسبت به گرفتن مقررری یا پول توجیبی علاقه چندانی هم از خود نشان نمی‌دهند، اما زمانی که وارد مدرسه می‌شوند، انگیزه‌هایی برای خرج کردن پیدا می‌کنند. به طور خلاصه آن چه این گروه از کودکان می‌توانند درباره پول یاد بگیرند، عبارت‌اند از:

- شناخت سکه‌ها و اسکناس‌های رایج با در نظر گرفتن ارزش مالی آن‌ها.
- تقلید از انتخاب‌های پدر و مادر در هنگام خرید.
- توانایی پس انداز کردن کوتاه مدت پول توجیبی برای تهیه کالای مورد علاقه خود.
- نیاز به دانستن مطالب عینی درباره پول.
- بانک را مکانی برای پس انداز پول خود دانستن.
- خریدهای کوچک خانگی را انجام دادن.
- به پیام‌های بازرگانی و تبلیغات تجاری با دید انتقادی نگاه کردن.

در مورد کودکان بزرگ‌تر و نوجوانان ۱۶-۱۲ ساله می‌توان آموزش ارزش پول را با درک اهمیت «کار کردن» و تلاش برای کسب درآمد و حفظ مادیات زندگی، هم زمان کرد. کار کردن به قصد پول در آوردن هم می‌تواند در چارچوب انجام کارهای دشوار خانگی (مثل تمیز کردن انبار و کمدها، نظافت حیاط، پاک کردن شیشه‌ها) و نیز انجام مشاغل متعارف و معمولی جامعه (مثل تدریس به بچه‌های کوچک‌تر، کار در کارگاه‌های صنعتی، انجام کارهای دستی) باشد. از طریق کار کردن، نوجوانان فرصتی به دست می‌آورند تا با یک سلسله ارزش‌ها و معیارهای کاری آشنا شوند و در ضمن به ارزش پول پی ببرند.

اغلب نوجوانان اگر بتوانند از انجام کار خود، درآمدی - هر چند ناچیز - به دست آورند، بیش‌تر از زمانی که به آن‌ها پول دستی داده می‌شود، احساس بزرگی، غرور و استقلال می‌کنند. کار کردن و پول به دست آوردن، مفاهیمی از آزادی و تعهد، کار و عادات متعارف، ارزیابی و سنجش مشاغل گوناگون، استقلال و ارتباطات مالی، زمان و انرژی انسانی به